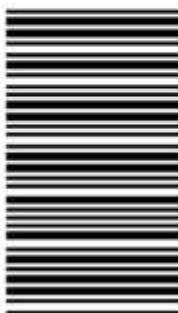


کد کنترل



521A

521

A

صبح جمعه

۹۷/۱۲/۳

دفترچه شماره (۱)



«اگر دانشگاه اصلاح شود مملکت اصلاح می‌شود.»

امام خمینی (ره)

جمهوری اسلامی ایران

وزارت علوم، تحقیقات و فناوری

سازمان سنجش آموزش کشور

## آزمون ورودی دوره دکتری (نیمه‌تمتر کز) – سال ۱۳۹۸

### رشته فلسفه و کلام اسلامی – کد (۲۱۳۳)

مدت پاسخ‌گویی: ۱۲۰ دقیقه

تعداد سؤال: ۹۰

عنوان مواد امتحانی، تعداد و شناساره سوالات

ردیف	مواد امتحانی	تعداد سؤال	از شماره	تا شماره
۱	مجموعه دروس تخصصی: زبان عربی – فلسفه – کلام اسلامی – منطق	۹۰	۱	۹۰

استفاده از ماشین حساب مجاز نیست.

این آزمون نمره منفی دارد.

حق جا به تکثیر و انتشار سوالات به هر روش (الکترونیکی و...) پس از برگزاری آزمون، برای تعامل اشخاص حقیقی و حقوقی تنها با مجوز این سازمان مجاز می‌باشد و با متخلفین برای برقرار رفتار می‌شود.

۱۳۹۸

\* داوطلب گرامی، عدم درج مشخصات و امضا در مندرجات جدول ذیل، بهمنزله عدم حضور شما در جلسه آزمون است.

..... با شماره داوطلبی ..... در جلسه این آزمون شرکت می‌نمایم.  
اینجانب

امضا:

### ■ ■ عین الأصح و الأدق في الجواب للترجمة أو المفهوم أو التعريب (۱۰ - ۱)

۱- «كَانَ النَّاسُ أُمَّةً وَاحِدَةً فَبَعَثَ اللَّهُ النَّبِيِّينَ مُبَشِّرِينَ وَمُنذِرِينَ، وَأَنْزَلَ مَعَهُمُ الْكِتَابَ بِالْحَقِّ لِيَحُكِّمَ بَيْنَ النَّاسِ فِيمَا اخْتَلَفُوا فِيهِ ...»:

۱) مردمان ملت یگانه‌ای بودند آنگاه الله پیغمبرانی برای مژده دادن و انذار کردن مبعوث کرد، و با آنان کتاب حق را فرستاد تا داوری کند در آنچه بین خود اختلاف کرده‌اند!

۲) مردم ابتدا امتی یگانه بودند و خدا پیامبرانی را مژده‌آور و اخطارکننده فرستاد، و کتابی را به حق نازل کرد تا پیامبران در آنچه مردمان اختلاف دارند حکمیت کند!

۳) مردمان در آغاز ملتی واحد بودند و الله پیغمبران را برای مژده دادن و برحدزr داشتن ارسال کرد، و با آنان کتابی را به حق فرستاد تا بین مردم داوری کنند در آنچه اختلاف دارند!

۴) مردم امتی واحد بودند و خداوند پیامبران را مژده‌دهنده و هشداردهنده مبعوث کرد، و با آنان به حق کتاب را نازل کرد تا بین مردم در آنچه اختلاف کرده‌اند حکمیت کند!

۲- «أَمْلِكُوا عَتَّى هَذَا الْغَلَمَ لَا يَهْدُنِي، فَإِنِّي أَنفُسُ بَهْدِينَ عَلَى الْمَوْتِ لَنَلَا يَنْقُطِعُ بِهِمَا نَسْلُ رَسُولِ اللَّهِ!»:

۱) این جوان را بشدت نگه دارید که پشت مرا نشکند، چه مرگ این دو را دریغم آید، تا با مرگ آنها نسل رسول الله قطع نگردد!

۲) این نوجوان را مانع شوید تا بر من حمله نکند، زیرا من بر مرگ این دو تن بخل می‌ورزم، تا نکند با این مرگ دودمان پیامبر خدا قطع گردد!

۳) این نوجوان را دور از من نگه دارید تا مرا درهم نکوبد، چون من از مرگ این دو سخت بیمناکم، نکند مرگ آنها دودمان رسول الله را قطع کنند!

۴) این جوان را محکم از من دور کنید و گرنه پشت مرا خم می‌کند، چه من از مرگ این دو نفر سخت بیم دارم، که با مرگ آنها نسل رسول خداوند منقطع می‌شود!

- ٣ - عَيْنُ الصَّحِيحِ:

۱) إن مثل هذه الكتب لا تُعار من مكتبة الجامعة لكثره حاجة الطالب إليها: چنین کتابهایی به دلیل کثرت نیاز دانشجویان به آنها، از کتابخانه دانشگاه امانت داده نمی‌شود!

٢) أصبحت أمتنا أكثر ما تكون بحاجة إلى التضامن و التعاون: امت ما اكnon بیش از پیش نیازمند اعتماد متقابل و همکاری است!

۳) لسنا في حاجة إلى أيٍ من القوى العظمى للحصول على الاكتفاء الذاتي: ما برّىء دستيابي به توليد ملّى به هیچیک از ایرقدرتها نیاز نداریم!

«توقّه فمت، ما شنت تبلوّه فكن معاديه أو كن له نشيا!»؛ أغلبنا بحاجة ماسّة إلى معلم ماهر ندرس عليه: أغلب ما به معلمى Maher نياز داريم كه با روشن او درس بخوانيم!

(۱) خود را حفظ کن و اگر بخواهی او را گفتار سازی، با او لحاحت کن یا با او دویز!

۲) از او بی هیز و هر گاه قصد آزمودن وی را کنیه، با او دشمنی کن و علیه مال و منال او باش!

(۳) از این حذر باش و چون بخواهی، او را بساز مائیه، یا دشمنی او باش یا مال و منالی در دستش!

۴) خویشتن را از او دور بدار و هر وقت اراده کنی او را مبتلی سازی، پا وی پا سستیزه کن یا گلاؤپین شو!

٥- «وَدَعَ غَمَارَ الْغُلَى لِلْمُقْدَمِينَ عَلَى رَكْوَبِهَا، وَأَفْتَنَعَ مِنْهُنَّ بِالْبَلَلِ!»:

۱) گرد و غبار محنت را رهای کن، و از دنیا به اندک نعمتی بستنده کن!

۲) رها کن اندوه بزرگواری را برای اقدام کنندگان، و تو خود به استراحت قانع باش!

(۳) غمهای بزرگ را برای اهلش رها کن، و خود به بلاهای کوچک در این روزگار بستنده کن!

۴) گردابهای بزرگواری را برای شجاعانی بگذار که بر آن برمی‌نشینند، و تو خود به نمی از آن قانع باش!

۶- «از زمانهای دور تا به امروز بسیاری از دانشمندان و ادبیان به نوشتن شرح بر این کتاب روی آورده‌اند!»  
۱) إن غالبية العلماء والأدباء من العهد البعيد و حتى هذه الأيام يبادرون بشرح الكتاب هذا!

٢) قد أقلا كثرة الماء على الأرض فلذلك اكتافه تجف.

٤) قد أقيمت الكتبة بالطريق المأكولة لاعادة تدوينها في هذا الم

وچ میان تکنیک این دستورات دلایلی اتفاق نمی‌افتد که باشد که آنها

دوره‌ای دیده نشده است!»

٢) من الطريف أن حياة الأدب في عصر بعض الدول والإمارات ازدهرت كثيراً إلى أن لم ير نظيره في العصور الأخرى أبداً!

٣) العجيب أنَّ حياة الأدباء ازدهرت في بعض الدول والأمارات ازدهاراً بحيث لم يكن لازدهار عهد هكذا!  
٤) من العجب أنه في عصر الدول والأمارات الحياة الأدبية كانت تزدهر ازدهاراً لم يعهد له العالم!

-۸ «تا قبل از آن روزها هرگز ندیده بودم که کسی از خوشحالی گریه کند!»:

- (۱) لم أر قطًّا قبل تلك الأيام أن أحدًا يبكي فرحاً!
- (۲) ما رأيت أبداً أحدًا يتباكي للفرح قبل تلك الأيام!
- (۳) لم أشاهد أبداً أحدًا في بكاء الفرح إلى تلك الأيام!
- (۴) ما شاهدت قطًّا إلا في تلك الأيام أن أحدًا يبكي فرحاً!

-۹ عین الأصح و الأدق في المفهوم:

- (۱) ﴿لَا تَمْنُنْ تَسْكِتُر﴾: متن منه تا بيشتر بخواهی!
- (۲) ﴿وَ إِنْ نَظَنَّكَ لِمَنِ الْكاذِبِين﴾: تو را جز از گروه دروغگویان نمی‌پنداریم!
- (۳) ﴿تَاللهُ إِنْ كَذَّ لِتُرَدِّي﴾: به خدا قسم بدون شک نزدیک بود مرا به هلاکت افکنی!
- (۴) ﴿ظَنَّوا أَنَّ لَا ملْجَأٌ مِّنَ اللهِ إِلَّا إِلَيْهِ﴾: دانستند که پناهگاهی از خداوند جز او را نیست!

-۱۰ «أَرِيدُ مَكَانًا مِّنْ كَرِيمٍ يصُونُنِي!». عین الأقرب لمفهوم المصارع:

- (۱) در پناه دولت او جایی می‌طلبم!
- (۲) از آسیب حوادث به جوار او پناه جستم!
- (۳) بخششده با مکانتی می‌خواهم تا بتوانم به او پناه ببرم!
- (۴) می‌خواهم از آسیب حوادث در جوار مأمون او محروس بمانم!

### ■ ■ عین الصحيح في التشكيل (۱۱-۱۳)

-۱۱ «الأول الذي لم يكن له قبل فيكون شيء قبله، والأخر الذي ليس له بعد فيكون شيء بعده»:

- (۱) يَكُنْ - فِي كُونْ - شَيْءٌ - قَبْلَهُ - الْآخِرُ
- (۲) قَبْلٌ - يَكُونُ - شَيْءٌ - قَبْلَهُ - الْآخِرُ
- (۳) لَهْ قَبْلٌ - قَبْلَهُ - الْآخِرُ - بَعْدَهُ
- (۴) يَكُونُ - فِي كُونْ - شَيْءٌ - بَعْدَهُ

-۱۲ «أكل الفاكهة ينقي الدم و لا سيما تفاحه تؤكل بعد الفطور، أما أكلها قبل الفطور ولا سيما الطازجة منها فهي أكثر فائدة!»:

- (۱) أَكَلَ الْفَاكِهَةَ - يُنْقِي الدَّمَ - أَمَّا أَكْلُهَا قَبْلَ الْفُطُورِ
- (۲) يُنْقِي الدَّمَ - وَلَا سِيَّمَا تَفَاحَةً - تُؤْكَلُ بَعْدَ الْفُطُورِ
- (۳) أَكْلُهَا قَبْلَ الْفُطُورِ - وَلَا سِيَّمَا الطَّازِجَةَ مِنْهَا - أَكْثَرُ فَائِدَةً
- (۴) وَلَا سِيَّمَا تَفَاحَةً - أَمَّا أَكْلُهَا قَبْلَ الْفُطُورِ - وَلَا سِيَّمَا الطَّازِجَةَ

## ١٣ - عین الصحيح:

- (١) جاءَتْ عِنْدَنَا مُضطربةً طِفْلَةً وَ هِيَ تَبَكِّي !  
 (٢) لَمْ يَحْصُلْ عَلَى الْجَائِزَةِ مَا خَلَا طَالِبَةً وَاحِدَةً!  
 (٣) أَتَعْلَمُ أَنِّي زُرْتُهُ لَيْلَةً كُنْتُ أَنْتَ عِنْدَهُ!  
 (٤) لَمْ يَفْزُ فِي هَذَا السُّبَاقِ غَيْرُ أَرْبَعِ طَالِبَاتِ!

## ■ ■ ■ عین المناسب للجواب عن الإعراب و التحليل الصrfی (٤-١٨)

٤- « وَ لَوْ تَرَى إِذْ وُقْفُوا عَلَى النَّارِ فَقَالُوا: يَا لَيْتَنَا نُرَدُّ وَ لَا نُكَبِّ بِأَيَّاتِ رَبِّنَا ». عین الخطأ:

- (١) إذ: ظرف غير متصرف أو مفعول فيه للزمان - وُقْفُوا: فعل ماضٍ مبني للمجهول، نائب فاعله ضمير الواو البارز، و الجملة مضاد إليه  
 (٢) ترى: فعل مضارع، معتل و ناقص، و كذلك مهموز العين (حذف الهمزة واجب) - فاعله الضمير المستتر فيه وجوباً تقديره « أنت »  
 (٣) يا ليتنا: يا، حرف نداء أو تبيه - لَيْتَ: حرف تمني - نُرَدُّ: مضارع مبني للمجهول، نائب فاعله الضمير المستتر فيه وجوباً تقديره « نحن »  
 (٤) وَ لَا نُكَبِّ: الواو حرف حالية - و الفعل مزيد ثلاثي من باب تعليل، و منصوب بحرف الواو الحالية  
 ١٥ - « نَسْعَ المَوَازِينَ الْقَسْطَ لِيَوْمِ الْقِيَامَةِ فَلَا تَظْلَمْ نَفْسَ شَيْئًا وَ إِنْ كَانَ مَثْقَالَ حَبَّةِ مِنْ خَرْدَلٍ أَتَيْنَا بِهَا، وَ كَفَى بِنَا حَاسِبِينَ ». عین الخطأ:

- (١) تظلم: فعل مضارع، متعذر و مبني للمجهول، نائب فاعله « نفس » - مثقال: خبر مفرد لفعل « كان »  
 الناقص و منصوب  
 (٢) أتينا: فعل ماضٍ - معتل و ناقص ( بدون إعلال ) - بها: الباء: حرف للتعدية - ها: ضمير متصل  
 مرجعه « مثقال » و تأثيره باعتبار المضاف إليه  
 (٣) نساع: مضارع - معتل و مثال ( له إعلال الحذف ) - الموازين: ممنوع من الصرف ( منتهي الجموع )  
 و مفعول به - القسط: نعت من باب « زيد عدل »  
 (٤) كفى: فعل ماضٍ، معتل و ناقص و له إعلال القلب - بنا: جار و مجرور و متعلقهما فعل « كفى »  
 - حاسبين: تمييز نسبة و مميزة الملحوظي فعل « كفى »

- ٦ - «إنك لست بسابقِ أجلك و لا مزوقِ ما ليس لك، و اعلم أنَّ الدنيا يومان يوم لك و يوم عليك!». عين الخطأ:  
 ) الدنيا: متنق و اسم تقضيل، و اسم «أنَّ» و خبره «يومان» - يوم: بدل تقضيل أو تقرير، و مرفوع  
 بالتبعية للمبدل منه «يومان» أو على أنه خبر لمبدأ محذف  
 ) و لا مزوق: الواو حرف عطف، و «لا» حرف زائد لتأكيد النفي، و مزوق: اسم مفعول و شبه الفعل  
 و نائب فاعله الضمير المستتر فيه تقديره «أنت»  
 ) إنك: اسمه ضمير الكاف و خبره الجملة «لست ....» - لست: من الأفعال الناقصة و اسمه ضمير  
 التاء البارز و خبره «سابق» شبه الفعل  
 ) سابق: مجرور بحرف الجر، بسابق: جار و مجرور و متعلقهما فعل «لست» - أجل: مفعول به  
 و منصوب لشبه الفعل «سابق»  
 ٧ - «أقيم بدار الحزم، مadam حزمها و أحر - إذا حالت - بأن أتحوّل!». عين الخطأ:  
 ) مadam: من الأفعال الناقصة و هي من النواصخ، «ما» حرف مصدرى و ظرفى تأويله «مدة دوامه ...»،  
 اسمه «حزم» و خبره ممحوف  
 ) أحر: فعل لإنشاء التعجب على وزن الأمر، مفعوله المصدر المؤول «أن أتحوّل» و هو مجرور في  
 اللفظ بحرف الباء الزائدة  
 ) أقيم: فعل مضارع، مزيد ثالثي من باب إفعال، معنٌّ و أجوف، إعلاله بالاسكان بنقل الحركة ثم  
 بالقلب، فاعله الضمير المستتر فيه وجوباً تقديره «أنا»  
 ) أتحوّل: مضارع من باب تغّلّب، و المصدر المؤول متتعجب منه و مجرور بحرف الباء الزائدة في اللفظ  
 و مرفوع محلاً على أنه فاعل لفعل «أحر»  
 ٨ - «و من يتبع جاهداً كل عثرة يجدها، و لا يسلِّم له الدهر صاحبُ!». عين الصحيح:  
 ) يجد: معنٌّ و مثال (له الإعلال بالحذف)، فعل جواب شرط و مجزوم، فاعله الاسم الظاهر  
 «صاحب» - الدهر: مفعول به لفعل «يسْلِم»  
 ) يسلِّم: مجرد ثالثي، معطوف على جواب الشرط فيجوز فيه الجزم و الرفع، فاعله «صاحب»  
 و الجملة فعلية  
 ) عثرة: اسم الهيئة أو النوع من مصدر «عثرة»، مضارف إليه للمضاف «كلَّ»، و فعل «يجد» مع  
 فاعله جملة فعلية و نعت للمنعوت «عثرة»  
 ) يتبع: مضارع من باب «تفعل»، فعل شرط و مجزوم - جاهداً: حال مفردة و منصوب و عامل  
 الحال فعل يتبع، و صاحبها الضمير المستتر في العامل



۲۷- عین ما فيه عطف البيان فقط:

(۱) يا زميلة الأستاذة؛ ما أصعب عملك!

(۲) زينب أستشهد حسين أخوها!

(۴) إنّ هذه أمّتكم أمّة واحدة!

(۳) مَاذَا عَمِلْتَ؟ أَخِيرًا أَمْ شَرًّا؟!

۲۸- «ألا كل شيء ما خلا الله باطل». عين الصحيح عن إعراب لفظ الجلالة «الله»:

(۱) مجرور وجوباً بحرف الجر

(۲) مرفوع وجوباً على الفاعلية

(۴) منصوب أو مجرور جوازاً

(۳) منصوب وجوباً على المفعولية

## ۲۹- عين ما ليس باستفادة:

(۱) يا علماء؛ للعلم والأدب!

(۲) يا قراء القرآن؛ لكم ما عملتم!

(۳) يا لذوي الدراسة و يا لخبراء؛ للدراسات الجامعية!

(۴) يا للعلماء و يا للأدباء؛ من ضاللة الدراسة في الجامعات!

## ۳۰- عين الخطأ:

(۱) احفظني دروسك يا طالبة!

(۲) حفاظ دروسك يا طالبة!

(۴) حفاظ يا طالبة دروسك!

(۳) احفظني يا طالبة دروسك!

۳۱- کدام مورد در باب تعریف امور عامه از نظر ملاصدرا صادق است؟

(۱) اوصافی که بین آنها وجود، حیثیت جسمیت و کمیت واسطه نباشد.

(۲) اوصافی که شامل همه موجودات اعم از واجب و جوهر و عرض باشند.

(۳) اوصافی که اعم یا اخص از موجود بما هو موجود نباشد.

(۴) اوصافی که از وجود بشرط لا بد دون واسطه انتزاع بشوند.

۳۲- «کلی طبیعی» کدام است؟

(۱) ماهیت متشخص بنفسه

(۲) ماهیت من حيث هی هی

(۴) نوع کلی

(۳) ماهیت موجوده

۳۳- انوار قاهره اعلی در فلسفه سهوروی، معادل کدام طبقه در فلسفه مشاء است؟

(۱) عقول عشره

(۲) مثل افلاطونی

(۳) افلاک نه گانه

(۴) نفوس ارضی و سماوی

۳۴- رئیس السما، واجب التعظیم در سنت اشرافی و واسطه اتصال سلطان انوار مدبره علیویه به افلاک کدام است؟

(۱) نار

(۲) نفس

(۳) بهمن

(۴) هورخش

۳۵- شیخ اشراف معتقد است که در برهان فصل و وصل مشاییان، کلمه اتصال به اشتراک لفظ در چه معانی‌ای به کار رفته است؟

(۱) پیوستگی میان دو جسم - امتداد

(۲) مقدار - امتداد

(۳) پیوستگی میان دو جسم - اتحاد

(۴) مقدار - اتحاد

۳۶- طبیعت «وجود مطلق» دارای کدام نوع وحدت است؟

(۱) عمومی (عمومیه)

(۲) عددی

(۳) اطلاقی

(۱) حقه

- ۳۷- طبق نظر شیخ الرئیس نسبت «وجوب بالغیر» با «حدوث»، کدام است؟

- (۱) عموم و خصوص مطلق مصداقی
- (۲) عموم و خصوص مطلق مفهومی
- (۳) عموم و خصوص من وجه مفهومی
- (۴) عموم و خصوص من وجه مصداقی

- ۳۸- این سخن صدرا که «تکرار اعمال موجب حدوث ملکاتی در نفس شده و هر ملکه‌ای که در دنیا غالب بر نفس گردد در آخرت بهصورتی که مناسب با آن است، متمثلاً می‌گردد.»، ذیل کدام مبحث آمده است؟

- (۱) در بیان حشر
- (۲) در حقیقت بعث
- (۳) در اشاره به عذاب قبر
- (۴) در بیان نشر کتب و صحایف

- ۳۹- پاسخ اشکال «وجود، حقیقت واحدی است، لذا هر وجودی که علت است صالح برای علیت هر وجودی است.»، کدام است؟

- (۱) وجود نظیر ماهیت کلیه‌ای همانند نوع است.
- (۲) از ذات وجود، مفهوم عام مصدری انتزاع می‌گردد.
- (۳) حکم افراد وجود بهعلت تقدم و تأخر و ... متفاوت و مختلف است.
- (۴) مفهوم وجود، مفهوم واحدی است و بدون اعتبار مورد تقسیم قرار نمی‌گیرد.

- ۴۰- کدام مورد از نظر صدرالمتألهین، ممیز نقوص انسانی بعد از مفارقت از بدن است؟

- (۱) معدات وجود آن‌ها
- (۲) انحصار وجود آن‌ها
- (۳) هیئت مكتسبة آن‌ها
- (۴) فاعل و غایت آن‌ها

- ۴۱- فاعل افعال متجدد، کدام است؟

- (۱) خداوند فاعل علی الاطلاق و بنابراین فاعل جمیع افعال از جمله افعال متجدد است.
- (۲) حرکت جوهری اشیاء است.
- (۳) حرکت دوری فلك است.
- (۴) جسم فلكی است.

- ۴۲- کدام مرتبه از وجود، شایسته است که «مبدأ الكل» باشد؟

- (۱) الوجود الذي لا يتعلّق بغيره ولا يتقدّم بقيد مخصوص
- (۲) الوجود المتعلق بغيره من العقول والنفوس والطبيعتين والمواد والاجسام
- (۳) الوجود المنبسط الذي ليس لشموله و انبساطه على طريقه عموم الكلية
- (۴) الوجود الانتزاعي الاثباتي الذي هو كساير المفهومات الكلية ايضاً وجود خاص

- ۴۳- نور فی نفسه لنفسه و نور فی نفسه لغيره به ترتیب در نظام حکمت اشراق چه نورهایی هستند؟

- (۱) انوار سوانح و قاهره - انوار حسی و مدبره
- (۲) انوار قاهره و مدبره - انوار سوانح و حسی
- (۳) انوار قاهره اعلى و ادنی - انوار حسی و مدبره
- (۴) انوار قاهره اعلى و مدبره - انوار قاهره ادنی و حسی

- ۴۴- کدام مورد، رابطه نفس ناطقه و قوایش را از نظر سهروردی بیان می‌کند؟

- (۱) هذه القوى اعتبارات في البرازخ
- (۲) هذه القوى طلسماً في الصياصي
- (۳) هذه القوى اصنام النور المتصرف في الصياصي
- (۴) هذه القوى فروع النور الاسفهبد في صياصيته

- ۴۵- در حکمت اشراق، جواهر عقلانی از چه طریقی اثبات می‌شوند؟

- (۱) قاعدة امکان اشرف
- (۲) علم شهودی حضوری
- (۳) تضاعف انوار
- (۴) اضافه اشراقیه

- ۴۶- ابن سینا در اشارات، نفس و عقل را چگونه علت حرکت افلاک می‌داند؟
- ۱) نفس علت معدنه و عقل علت تامة حرکت است.
  - ۲) نفس علت فاعلی و عقل علت غایی حرکت است.
  - ۳) نفس علت بعید و عقل علت قریب حرکت است.
  - ۴) نفس علت مادی و عقل علت صوری حرکت است.
- ۴۷- ابن سینا معنای مشترک میان مفعول، مصنوع و موجود را چه چیزی می‌داند؟
- ۱) موجود بعد از عدم به سبب یک شیء
  - ۲) موجود بعد از عدم
  - ۳) موجود نیازمند به ماده و مدة و فاعل
  - ۴) موجود بی‌نیاز از ماده و مدة و فاعل
- ۴۸- کدام مورد، اثبات وجود زمان در حکمت مشاه است؟
- ۱) الزمان ما له بالذات القبلية و البعدية
  - ۲) تصور القبلية و البعدية يتوقف على تصور الزمان
  - ۳) القبلية و البعدية يلحقان الزمان لذاته و غيره بحسبه
  - ۴) تصور القبلية و البعدية الذاتيين لم يتوقف على تصور الزمان
- ۴۹- دو عبارت زیر در صدد اثبات استحاله کدام مطلب هستند؟
- «یستلزم کون واجب الوجود المتعین معلولاً للغير»، «لو کان تعین الواجب لغير الواجب لکان معنی وجوبه لازماً لتعینه او عارضاً او معروضاً او ملزوماً»
- ۱) وجود الواجب معلولاً للتعین
  - ۲) معنی واجب الوجود لازماً لتعینه
  - ۳) واجب الوجود المتعین معلولاً
  - ۴) التعین بغير واجب الوجود
- ۵۰- عبارت «کلّ ما یلزم عنه اثنان معًا فهو منقسم الحقيقة»، در صدد اثبات کدام مطلب فلسفی است؟
- ۱) ترکیب ممکن از وجود و ماهیت
  - ۲) بساطت واجب تعالی
  - ۳) تلازم علت و معلول
  - ۴) قاعدة الواحد
- ۵۱- نسبت اضلال به خداوند، به کدام معنا درست است؟
- ۱) البطلان
  - ۲) فعل الضلاله
  - ۳) ایهام الطريق
  - ۴) إلباس الحق بالباطل
- ۵۲- کدام مورد بیانگر رابطه لطف و تمکن از طاعت است؟
- ۱) هم لطف مقرّب و هم لطف محصل در تمکن از طاعت مؤثر است.
  - ۲) لطف محصل در تمکن از طاعت مؤثر است.
  - ۳) لطف مطلقاً در تمکن از طاعت تأثیر ندارد.
  - ۴) لطف مقرّب در تمکن از طاعت مؤثر است.
- ۵۳- «موازنہ» در ذیل کدام عنوان مطرح می‌شود و نظر مرحوم خواجه درباره آن کدام است؟
- ۱) جواز عفو - پذیرش آن
  - ۲) احباط و تکفیر - پذیرش آن
  - ۳) جواز عفو - عدم پذیرش آن
  - ۴) احباط و تکفیر - عدم پذیرش آن
- ۵۴- به نظر مرحوم علامہ حلی این عبارت مرحوم خواجه «و النسخ تابع للمصالح» در پاسخ به کدام مطلب است؟
- ۱) رد نظریة نصاری
  - ۲) رد نظریه یهود
  - ۳) نسخ امری ناممکن است.
  - ۴) نسخ ممکن است ولی هیچ‌گاه واقع نشده است.
- ۵۵- کدام مورد بیانگر نظر متکلمان شیعه درباره اراده خداوند است؟
- ۱) اراده صفتی ثبوتی است که موجب تخصیص قدرت ایجادی خداوند به امور ممکن می‌شود.
  - ۲) مقصود از اراده خداوند آن است که او به افعال خوبیش عالم و به افعال سایر مخلوقات آمر است.
  - ۳) اراده همان داعی است، یعنی علم خداوند به مصلحت فعل موجب اختصاص قدرت او به انجام آن می‌شود.
  - ۴) اراده جزو صفات سلبی و به معنای آن است که فاعل دارای اراده در انجام فعل خود تحت تأثیر و سلطه سایر افراد نیست.

۵۶- کدام مورد از نظر گونیلو، اصلی‌ترین اشکال برهان وجودی آنسلم است؟

(۱) مغالطه مفهوم و مصدق

(۲) اثبات امور محال مثل بزرگ‌ترین جزیره

(۳) اثبات خداوندی که با متون دینی سازگار نیست.

(۴) اثبات وجود انواع امور نامعمول مثل بزرگ‌ترین مزرعه

۵۷- حکمت انقطاع تکلیف، کدام است؟

(۱) إلقاء (۲) حصول ثواب

(۳) امتناع جمع تکلیف و ثواب (۴) عدم تراخی بین تکلیف و ثواب

۵۸- کدام مورد، نظریه اشعاره درخصوص نسبت فعل به انسان‌ها است؟

(۱) انتساب افعال به انسان امری ضروری است.

(۲) خداوند محدث فعل انسان است و انسان صرفاً با فعل اقتران و همراهی پیدا می‌کند.

(۳) با توجه به قدرت خداوند، انتساب هیچ واقعیتی حتی افعال بندگان به غیر خدا مطلقاً صحیح نیست.

(۴) خداوند افعال عباد را ایجاد می‌کند و انتساب فعل به انسان‌ها و بندگان امری مجازی است نه حقیقی.

۵۹- مرحوم علامه حلی با مفاد آیه شریفه «عسى أن يبعثك ربك مقاماً محموداً»، کدام مطلب را برای پیامبر اسلام (ص) اثبات می‌کند؟

(۱) علو درجات و برترین جایگاه (۲) جایگاه پسندیده

(۳) ثبوت شفاعت (۴) اعطاء لقب محمود

۶۰- اختلاف نظر متكلمان اشعری، در مورد کدامیک از صفات خدا است؟

(۱) بقاء (۲) علم (۳) اراده (۴) کلام

۶۱- طبق نظر معتزله، عدل الهی در اصطلاح متكلمین کدام است؟

(۱) توفیر حق الغیر و استیفاء الحق منه.

(۲) لا يكلف العباد ما لا يطيقون و لا يعلمون.

(۳) ان افعاله كلها حسنة و أنه لا يفعل القبيح ولا يخل بما هو واجب عليه.

(۴) أنه لا يكذب في خبره، لا يجوز في حكمه، لا يعذب أطفال المشركون بذنب آبائهم

۶۲- کدامیک از متكلمین معتزله به مسئله معرفت اهمیت بسیار داده و از «اصحاب المعارف» بوده است؟

(۱) قاضی عبدالجبار (۲) ابوهاشم (۳) نظام (۴) جاحظ

۶۳- کدام مورد طبق نظر اشعاره درباره فعل خدا درست است؟

(۱) مشیت الهی مطلق نیست. (۲) فعل اصلاح بر خداوند واجب است.

(۳) فعل اصلاح بر خداوند واجب نیست. (۴) افعال خداوند معلل به اغراض است.

۶۴- ابوالحسن اشعری در کتاب اللمع چگونه به اثبات وجود خدا می‌پردازد؟

(۱) به اقرار و تصدیق

(۲) با نظر به آیات قرآن و تصدیق رسول صادق، وجود خدا را اثبات می‌کند.

(۳) با برهان رایج فلسفی از وجود عالم به عنوان معلوم، به وجود علت آن یعنی وجود خداوند و صفات او استدلال می‌کند.

(۴) با روش معمول متكلمان از احکام صنعت عالم و حسن نظام تدبیر آن، به وجود صانع و صفات او استدلال می‌کند.

-۶۵- کدام شرط از شرایط شخص یا مصدر، الزام‌گذنده تکلیف است؟

- (۱) آگاهی به مصالح و مفاسد تکلیف و مقدار ثواب و عقاب آن
- (۲) آگاهی به ابزارآلات تکلیف و فراهم ساختن آن‌ها
- (۳) فعل صفتی علاوه بر ذات داشته باشد.
- (۴) خطاب بر امثال تکلیف مقدم باشد.

-۶۶- به نظر مرحوم خواجه دوام عوض چگونه است؟

- (۱) واجب است.
- (۲) واجب نیست.

-۶۷- (۱) به خاطر نفع زائد بر الم است.  
-۶۷- کدام مورد از مبانی دیدگاه اگزیستانسیالیسم شاخه دینی درباره رابطه علم و الهیات نمی‌باشد؟

- (۱) معرفت علمی غیرشخصی و عینی و معرفت دینی شخصی و ذهنی است.
- (۲) رابطه شخص و شیء مادی من - آن و رابطه مؤمن با خدا من - تو است.

-۶۸- (۳) زبان علم، زبان پیش‌بینی و کنترل و زبان دین، زبان نیایش و کسب آرامش است.

-۶۸- (۴) موضوع علم، اشیاء مادی و کارکرد آن‌ها و موضوع دین واقعیت‌های شخصی و اخلاقی است.

-۶۸- کدام مورد مؤید این است که انسان واجد نیروهای فراتطبیعی است؟

- (۱) برخی توانایی‌های ذهنی مرکز خاصی در مغز دارند.
- (۲) ارتباط با اذهانی که ارتباط متعارف با آن‌ها ممکن نیست.

-۶۹- (۳) این‌همانی حالات ذهنی با روندهای سیستم اعصاب مرکزی

-۶۹- (۴) آسیب مغز تأثیر مستقیمی بر آگاهی، هوشیاری، حافظه و قابلیت مفهوم‌سازی دارد.

-۶۹- به نظر «هیک» با کدام معیارها می‌توان نظام‌های دینی را مورد مطالعه و تحقیق قرار داد؟

- (۱) سازگاری درونی، کفايت تجربی

-۷۰- (۲) وقوع واقعه رستگاری بخش، دینداری بدون عنوان

-۷۰- (۳) امکان رستگاری، تحول از فرد محوری به خدا محوری

-۷۰- (۴) تحويل زبان ناظر به خدا به زبان ناظر به تجارب متعارف، مطابقت باواقع

-۷۰- به نظر آکویناس ما دعا می‌کنیم تا .....

- (۱) اراده خداوند را تغییر دهیم.

-۷۱- (۲) رابطه غایتمند خدا با آدمیان برقرار بماند.

-۷۱- (۳) پیوند محبت‌آمیز خداوند با آدمیان تداوم داشته باشد.

-۷۱- (۴) آنچه را خداوند آمده است از طریق دعا تحقق بخشد، تحصیل کنیم.

-۷۱- در کدام ویژگی، لوازم با ذاتیات اشتراک ندارند؟

- (۱) تقدم تصور بر ذات
- (۲) رفع ناپذیری در ذهن

-۷۲- (۳) بی‌نیازی از علتی غیر از علت ذات

-۷۲- کدام مورد در خصوص تصدیق، نادرست است؟

-۷۲- (۱) اذعان و اقرار نفس به برقراری یا عدم برقراری یک نسبت

-۷۲- (۲) به یقینی، ظنی، وهمی و شکی تقسیم می‌شود.

-۷۲- (۳) از انواع علم حصولی است.

-۷۲- (۴) از انواع علم حضوری است.

- ۷۳- با فرض «هیچ الف ب نیست» و اینکه الف و ب غیر تهی هستند، کدام مورد، نتیجه نمی‌شود؟
- (۱) هیچ ب الف نیست.
  - (۲) هیچ غیر الف غیر ب نیست.
  - (۳) برخی الف غیر ب است.
- ۷۴- عرفیه عام به لحاظ صدق چه نسبتی با دائمه مطلقه دارد؟
- (۱) مباین
  - (۲) اعم و اخص من وجه
  - (۳) اخص مطلق
- ۷۵- بر پایه اصطلاح ابن سینا در اشارات، کدام قسم از گزاره‌های ضروری، "وجودی" نیست؟
- (۱) ضروری به شرط محمول
  - (۲) ضروری منتشر
  - (۳) ضروری مطلق
- ۷۶- میان «سلب ضرورت ایجاب» و «امکان عام سلب» از یک سو و «امکان خاص ایجاب» و «سلب امتناع سلب» از دیگر سو، به ترتیب چه رابطه‌ای برقرار است؟
- (۱) لزوم - تلازم
  - (۲) تلازم - لزوم
  - (۳) لزوم - لزوم
- ۷۷- تالی یک شرطی موجبه، عکس نقیض موافق مقدم آن است. این شرطی در کنار یک قضیه حملی سالبه، قیاسی شرطی - حملی (با اشتراک در تالی) می‌سازد. تالی این شرطی ..... است.
- (۱) موجبه جزئیه
  - (۲) سالبه جزئیه
  - (۳) موجبه کلیه
- ۷۸- دو مقدمه ضرب منتجی در شکل اول در کمیت و کیفیت با هم متفاوتند. عکس مستوی این دو مقدمه ضربی از شکل اول و ضربی از شکل چهارم می‌سازند، این دو ضرب به ترتیب ..... و ..... هستند.
- (۱) عقیم - منتج
  - (۲) منتج - عقیم
  - (۳) عقیم - عقیم
- ۷۹- کدام نتیجه از دو مقدمه زیر به دست می‌آید؟
- هیچ غیر ب، الف نیست.
  - هیچ غیر ب، ج نیست.
  - (۱) هیچ الف، غیر ج نیست.
  - (۲) بعضی الف، غیر ج است.
  - (۳) بعضی غیر الف، غیر ج است.
- ۸۰- کدام مورد نتیجه قیاس زیر است؟
- صغری: هیچ ج ب نیست مادام که ج است نه دائماً
- کبری: بعضی الف ج است مادام که الف است
- (۱) بعضی الف ب الف نیست مادام که ب است نه دائماً
  - (۲) هیچ الف ب نیست مادام که الف است نه دائماً
  - (۳) هیچ الف ب نیست مادام که الف است
- ۸۱- از نظر ابن سینا در اشارات، صغای قیاس شکل اول در چه صورتی می‌تواند سالب باشد؟
- (۱) اگر ممکن خاص یا مطلق خاص باشد.
  - (۲) اگر ممکن عام یا مطلق خاص باشد.
  - (۳) اگر ممکن خاص یا مطلق عام باشد.

- ۸۲- در منطق موجهات این سینا، شرایط انتاج شکل دوم عبارت است از اختلاف کیفی مقدمات، کلیت کبری و

(۱) عکس پذیری مقدمه سالب

(۲) عکس ناپذیری مقدمه سالب

(۳) وجود نقیض همجننس برای مقدمه سالب

(۴) عکس پذیری مقدمه سالب یا وجود نقیض همجننس برای آن

- ۸۳- یک قیاس اقترانی حملی از شکل چهارم داریم که یکی از دو مقدمه، عکس نقیض مخالف دیگری است. کدام گزینه درباره این قیاس درست است؟ (در مقدمات، موضوع و محمول متمايزند و یکی نقیض دیگری نیست.)

(۱) تنها یک قیاس با شرایط ذکر شده وجود دارد.

(۲) در هر قیاسی با شرایط ذکر شده، با مقدمات می‌توان قیاسی در شکل اول ساخت.

(۳) در هر قیاسی با شرایط ذکر شده، یکی از مقدمات عکس مستوی لازم‌الصدق ندارد.

(۴) در هر قیاسی با شرایط ذکر شده، نتیجه می‌تواند با هر یک از مقدمات آن، قیاسی تشکیل دهد.

- ۸۴- کدام فرمول، قضیه منطق گزاره‌ها است؟

$$(\neg A \rightarrow A) \rightarrow A \quad (۲)$$

$$(\neg A \rightarrow \neg A) \rightarrow A \quad (۱)$$

$$(A \rightarrow \neg A) \rightarrow A \quad (۴)$$

$$(A \rightarrow A) \rightarrow A \quad (۳)$$

- ۸۵- گزاره  $(p \vee \neg q) \rightarrow (q \rightarrow r)$  با چه تعداد از گزاره‌های زیر همارز منطقی است؟

$$\neg(q \rightarrow p) \rightarrow (\neg q \vee r)$$

◦ (۱)

$$(\neg p \wedge q) \rightarrow \neg(q \wedge \neg r)$$

۱ (۲)

$$q \rightarrow (p \vee r)$$

۲ (۳)

۳ (۴)

- ۸۶- چه تعداد از فرمول‌های زیر منطقاً معتبرند؟

$$\forall x(x = a \vee x = b) \rightarrow (\forall x Ax \leftrightarrow (Aa \wedge Ab))$$

◦ (۱)

$$\forall x \forall y \forall z((x \neq y \wedge x \neq z) \rightarrow y \neq z)$$

۱ (۲)

$$\forall y \exists x(y = x)$$

۲ (۳)

۳ (۴)

۴ (۵)

- ۸۷- صورت‌بندی جمله زیر متناظر با کدام مورد است؟

«اگر کسی خود را دوست داشته باشد آنگاه دست کم یک نفر دیگر هست که او را دوست داشته باشد»

$$\forall x(Lxx \wedge \exists y(y \neq x \rightarrow Lyx)) \quad (۲)$$

$$\forall x(Lxx \rightarrow \exists y(y \neq x \wedge Lyx)) \quad (۱)$$

$$\forall x(Lxx \wedge \exists y Lyx) \quad (۴)$$

$$\forall x(Lxx \rightarrow \exists y Lyx) \quad (۳)$$

-۸۸ - کدام مورد، قضیه منطق محمولات است؟

$$\sim (\forall x Fx \wedge \exists y \sim Fy) \quad (2)$$

$$\forall x Fx \supset \sim Fa \quad (4)$$

$$\exists x Fx \wedge \forall y \sim Fy \quad (1)$$

$$\sim \exists y(Fy \vee \sim Fy) \quad (3)$$

-۸۹ - کدام فرمول، قضیه منطق محمولها و این‌همانی است؟

$$\forall x(x = a \vee x = b) \quad (2)$$

$$\forall x(x = a) \vee \forall x(x = b) \quad (4)$$

$$\forall x(x = a \rightarrow x = b) \quad (1)$$

$$\forall x(x = a) \rightarrow \forall x(x = b) \quad (3)$$

-۹۰ - ترجمه «فرد لال هیچ سخنی نمی‌گویند»، کدام گزینه است؟

$$x = Cx \text{ سخن است. } y, x = Gxy \text{ لال است. } x = Lx$$

$$\forall x \forall y \sim [Lx \supset (Cy \supset Gxy)] \quad (2)$$

$$\forall x \forall y [Lx \supset (Cy \supset \sim Gxy)] \quad (4)$$

$$\exists x \sim \forall y [Lx \supset (Cy \supset Gxy)] \quad (1)$$

$$\exists x \forall y [Lx \supset (Cy \supset \sim Gxy)] \quad (3)$$

